

- سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴**
- سال هفدهم - شماره ۳۱۲۲**

سپهرغرب، گروه جوانی – سمیرا گمار؛ استادپار

روان‌شناسی دانشگاه پیام نور همدان گفت؛ در عصر نوچوانان که نوچوانان با فرصت‌های درآمدزایی و تهدیدات مالی متعددی روبه‌رو هستند، جای خالی آموزش سواد مالی در مدارس بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در نبود آموزش‌های کاربردی درباره پول، پس‌انداز و مدیریت هزینه، نسل جدید ممکن است قربانی مصرف‌زدگی، فریب‌کاری‌های آنلاین و ناآگاهی اقتصادی شود؛ کمبودی که نظام آموزشی کشور باید هرچه زودتر آن را جبران کند.

در جهان پرشتاب و دیجیتالی امروز، مفاهیمی چون درآمد، سرمایه‌گذاری، کارآفرینی و مصرف، تنها در حیطه بزرگ‌سالان باقی نمانده‌اند. نوچوانان، به‌عنوان نسلی که در بستر رسانه‌های اجتماعی، فناوری و تغییرات فرهنگی رشد می‌کنند، بیش از هر زمان دیگری با مفاهیم اقتصادی درگیر شده‌اند. این نسل، در معرض حجم انبوهی از پیام‌های مصرفی و فرصت‌های درآمدزایی برخط قرار دارد؛ از تماشای سبک زندگی اینفلوئنسرها تا تجربه ساخت فروشگاه اینترنتی یا تولید محتوا برای کسب درآمد.

اما این مواجهه زودهنگام با دنیای پول و اقتصاد، به‌تنهایی معادل «سواد مالی» نیست. نوچوانی که با پول آشناست، لزوماً با شیوه درست مدیریت آن، ارزش‌گذاری، بودجه‌بندی، تصمیم‌گیری اقتصادی و تشخیص مسیرهای سالم از ناسالم آشنا نیست. در این میان، نقش خانواده، نظام آموزشی، رسانه‌ها و سیاست‌گذاران تربیتی بسیار کلیدی است.

در همین راستا، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم با استادپار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور واحد‌های همدان و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کیودرآهنگ که با رویکردی علمی و تربیتی به بررسی موضوع سواد مالی نوچوانان پرداخته و با نگاهی واقع‌گرایانه، ضمن تحلیل وضعیت کنونی، به ظرفیت‌های بالقوه نوچوانان، کاستی‌های نظام آموزشی، تأثیر رسانه‌ها و الگوهای رفتاری خانواده اشاره کرده و راهکارهایی برای طراحی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی ارائه داده است.

این گزارش تحلیلی، می‌کوشد پاسخی روشن به این پرسش بدهد که چگونه می‌توان نسلی آگاه، مسئول و توانمند در حوزه اقتصاد پرورش داد؛ نسلی که قربانی تبلیغات مصرفی و کلاهبرداری‌های مجازی شود، نه از دنیای واقعی اقتصاد جا بماند.

■ **نگاه نوچوانان به پول؛ از تأمین نیاز به**

هویت اجتماعی

دکتر مریم روشن در ابتدای سخنان خود با اشاره به تغییرات اساسی در نگرش نوچوانان به پول، تصریح کرد: امروزه نوچوانان نسبت به نسل‌های قبل دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری نسبت به پول دارند، اما این نگرش در عین حال مصرف‌گراتر است. در گذشته پول بیشتر به‌عنوان ابزاری برای تأمین نیازهای اساسی زندگی استفاده می‌شد، اما امروز این مفهوم به بخشی از هویت اجتماعی و سبک زندگی تبدیل شده است.



در نظام آموزشی ایران،

آموزش‌های مرتبط با سواد

مالی به‌طور مستقیم و مؤثر

در دسترس نوچوانان قرار

ندارد و بیشتر مدارس تنها

به‌صورت پراکنده یا غیررسمی

به این موضوع پرداخته‌اند.

وی خاطرنشان کرد: دسترسی گسترده به اینترنت و رسانه‌های اجتماعی باعث شده نوچوانان از سنین پایین‌تر با مفاهیمی همچون کارآفرینی، ویزند شخصی، درآمد دلاری و سرمایه‌گذاری آشنا شوند. این دسترسی‌ها به آن‌ها این امکان را داده که نگرش‌های اقتصادی خود را مستقل‌تر شکل دهند، اما در عین حال، ممکن است باعث روی آوردن آن‌ها به الگوهای مصرف‌گرایانه نیز بشود.

■ **آموزش مالی در مدارس؛ شکاف‌هایی در**

این استادپار دانشگاه تأکید کرد: فقدان آموزش مؤثر سواد مالی در مدارس ایران یک موضوع بسیار مهم است که در نظام آموزشی رسمی کشورمان، هنوز برنامه جامع و هدفمندی برای آموزش مفاهیم مالی در مدارس وجود ندارد.

روشن ادامه داد: این نبود آموزش‌های پایه‌ای همچون بودجه‌بندی، پس‌انداز، مدیریت خطر و حتی مفاهیم ساده اقتصادی می‌تواند نوچوانان را در مواجهه با مشکلات مالی در آینده با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کند.

وی به این نکته اشاره کرد که برخی مدارس غیردولتی با خاص ممکن است اقداماتی محدود در این زمینه داشته باشند، اما این تلاش‌ها به‌صورت جزئی وپراکنده هستندو نمی‌توانند نیازهای اساسی دانش‌آموزان را در این حوزه برآورده کنند.

■ **الگوهای خانوادگی و تأثیر آن‌ها بر تربیت**

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کیودرآهنگ تأثیرات خانواده در شکل‌دهی رفتارهای مالی نوچوانان را بسیار حائز اهمیت دانست و سه نوع الگوی رفتاری در خانواده‌ها را شناسایی کرد که می‌تواند تأثیر مستقیم بر رفتارهای اقتصادی فرزندان داشته باشد. نخست، الگوی محدودکننده که در آن صحبت از پول تابوست می‌شود و تصمیمات مالی از کودک پنهان می‌شود. دوم، الگوی مصرف‌محور که در آن پول تنها به‌عنوان ابزاری برای خرید کالاها و خدمات مصرفی دیده می‌شود و سوم، الگوی مشارکتی که در آن نوچوان در بحث‌ها و تصمیمات مالی خانواده مشارکت دارد و از این طریق می‌تواند مفاهیم اقتصادی را به‌طور عملی بیاموزد. این الگوهای خانوادگی به‌طور مستقیم بر نگرش‌ها و رفتارهای اقتصادی نوچوانان تأثیر می‌گذارند و می‌توانند مسیر آینده مالی آنان را شکل دهند.

■ **نقش رسانه‌ها و اینفلوئنسرها؛ فرصت‌ها و تهدیدها**

روشن با این بیان که با گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی، نوچوانان به‌راحتی در معرض پیام‌های اقتصادی مختلف ازجمله تبلیغات برای پولدار شدن سریع و بدون زحمت قرار دارند، اظهار کرد: بسیاری از اینفلوئنسرهای الگوهایی از پولدار شدن سریع و بدون زحمت را به نوچوانان ارائه می‌دهند که می‌تواند منجر به فریب یا سرخوردگی آن‌ها شود. اما از سوی دیگر، محتواهای آموزشی و الهام‌بخش نیز وجود دارند که می‌توانند نوچوانان را به مسیرهای صحیح هدایت کنند. اینفلوئنسرها و رسانه‌ها، به‌ویژه اگر فاقد سواد رسانه‌ای باشند، می‌توانند در انتخاب‌های اقتصادی نوچوانان تأثیر منفی بگذارند.

■ **فرصت‌ها و چالش‌ها در درآمدزایی نوچوانان**
یکی از نکات مثبتی که وی به آن اشاره کرد، ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که نوچوانان برای کسب درآمد دارند و یادآور شد: این ظرفیت‌ها شامل تولید محتوا، گرافیک، ساخت ویدئو، ترجمه، کمک‌تدریس، فروش برخط و حتی برنامه‌نویسی می‌شود.

این متخصص روان‌شناسی تأکید کرد: اگر این

جوانی

استادپار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور همدان هشدار داد:

سواد مالی، درس فراموش شده نوچوانان وزنگی که در مدارس به‌صدا درنیامده‌است

رسانه‌ها و اینفلوئنسرها می‌توانند نوچوانان را به انتخاب‌های نادرست مالی هدایت کنند/ فعالیت‌های ایمن اقتصادی نظیر تولید محتوا نیاز به نظارت و هدایت خانواده‌ها دارند

فعالیت‌ها به‌درستی مدیریت شده و خانواده‌با مربیان نظارت‌های مناسب بر آن‌ها داشته و با تحصیل نوچوانان در تعارض نباشد، می‌توانند به آن‌ها در کسب مهارت‌های عملی کمک کنند. البته در این مسیر، آنان باید از خطرات احتمالی مانند مصرف‌زدگی ووابستگی به فضای مجازی آگاه باشند. روشن در ادامه به خطرات متعددی‌که نوچوانان در دنیای دیجیتال با آن مواجه هستند اشاره کرد و توضیح داد: یکی از این خطرات، ورود به فعالیت‌های مشکوک مالی مانند شرکت‌های هرمی و سرمایه‌گذاری NFTهای کلاهبردارانه است که می‌تواند نوچوانان را به دام خود بیندازد. همچنین، استثمار و کار کودک در بسترهای بی‌قانون اینترنتی یکی دیگر از نگرانی‌های جدی است که در این زمینه وجود دارد. این خطرات می‌تواند آسیب‌های جدی به نوچوانان وارد کند و مسیر اقتصادی آن‌ها را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهد.

■ **کسب‌وکارهای امن و موفق برای نوچوانان**

وی به نمونه‌های موفق‌ی از کسب‌وکارهای امن برای نوچوانان اشاره کرد که می‌تواند الگویی برای نوچوانان در داخل و خارج کشور باشد و گفت: مثلاً، سکوهای ایرانی مانند کافه تدریس نوچوان که نوچوانان می‌توانند به عنوان معلم در آن مشغول به‌کار شوند. در سطح جهانی، برنامه‌هایی نظیر Kidpreneurs در آمریکا و Junior Achievement در کشورهای مختلف، به نوچوانان آموزش کارآفرینی و مفاهیم اقتصادی را می‌دهند تا از این طریق آن‌ها را برای ورود به دنیای کسب‌وکار آماده سازند.

■ **پیشنهاد طرح «مدرسه اقتصادی نوجوان»**

برای آموزش سواد مالی

این استادپار دانشگاه طرحی برای آموزش سواد مالی به نوچوانان پیشنهاد داد که شامل کارگاه‌های هفتگی سواد مالی، پروژه‌های عملی نظیر طراحی بازارچه خیریه، بازی‌های شبیه‌سازی اقتصادی و دعوت از مهمانان موفق در عرصه اقتصادی می‌شود.

روشن در پایان گفت‌وگوی خود اعلام کرد: این طرح می‌تواند در مدارس و مراکز آموزشی مختلف اجرا شود تا نوچوانان با مفاهیم اقتصادی آشنا شده و در مسیر تغییر نگرش نسبت به پول و مصرف گام بردارند. همچنین، ارزیابی این برنامه‌ها باید بر اساس میزان مشارکت در پروژه‌ها، سطح یادگیری مفاهیم و تغییر نگرش نوچوانان نسبت به مسائل اقتصادی انجام شود.

وی در نهایت با بیان اینکه آموزش سواد مالی در نوچوانان می‌تواند پایه‌گذار یک اقتصاد پایدار

و موفق در آینده باشد، با ایجاد فضای مناسب آموزشی و ارائه الگوهای صحیح اقتصادی، می‌توان نسل جدیدی از کارآفرینان و افراد مسئول در حوزه‌های اقتصادی پرورش داد، سخنان خود را در این بخش به پایان برد.

■ **سواد مالی برای نسل فردا؛ سنگ‌بنای استقلال، آگاهی و امنیت اقتصادی نوچوانان**

در خاتمه باید گفت: آموزش سواد مالی به نوچوانان نه‌تنها به‌عنوان یک ضرورت برای آماده‌سازی آن‌ها برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی آینده، بلکه به‌عنوان عاملی برای شکل‌دهی به یک نسل مستقل، آگاه و مسئول در دنیای امروز از اهمیت بسیاری برخوردار است. در دنیای پیچیده و پرتحولی که ما در آن زندگی می‌کنیم، نوچوانان با فرصت‌ها و تهدیدات بسیاری در حوزه اقتصاد روبه‌رو هستند. از یک سو، دسترسی آسان به اطلاعات و فضای دیجیتال این امکان را فراهم می‌آورد که آن‌ها سریع‌تر با مفاهیم مالی و اقتصادی آشنا شوند و از سوی دیگر، در صورت نبود آموزش‌های مناسب، ممکن است در دام خطراتی همچون مصرف‌زدگی، کلاهبرداری‌های دیجیتال یا حتی استثمار در فضای برخط گرفتار شوند.

بنابراین، نخستین گام برای تحقق یک تغییر اساسی در این زمینه، اصلاح نظام آموزشی کشور است. در حال حاضر، آموزش مفاهیم مالی در مدارس به‌طور عمده در حاشیه قرار دارد و برنامه‌های موجود فاقد عمق و جامعیت لازم هستند. باید تلاش شود تا در برنامه‌های آموزشی مفاهیم مالی پایه‌ای همچون بودجه‌بندی، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، مدیریت ریسک و نحوه کسب درآمد سالم به‌صورت اصولی گنجانده شوند.

این مفاهیم باید به‌گونه‌ای آموزش داده شوند که نوچوانان علاوه بر درک تئوری، بتوانند آن‌ها را در زندگی روزمره خود به‌کار ببرند و درک درستی از نحوه استفاده از منابع مالی خود پیدا کنند.

اما اصلاحات آموزشی تنها به نهادهای آموزشی محدود نمی‌شود. خانواده‌ها به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی در زندگی نوچوانان، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی نگرش‌های مالی آن‌ها دارند. متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها، مسائل مالی یا از دید نوچوانان پنهان نگه‌داشته می‌شود یا به‌صورت سطحی و غیرکاربردی درباره پول و درآمد صحبت می‌شود. این الگوها معمولاً منجر خواهند شد که نوچوانان در مواجهه با مسائل مالی در آینده دچار سردرگمی و چالش شوند. در عوض، خانواده‌ها می‌توانند با ایجاد فضایی مشارکتی، به نوچوانان فرصت دهند تا در

نحوه استفاده از منابع مالی خود پیدا کنند.

انسان موجودی اجتماعی است و باید با جامعه ارتباط داشته باشد تا بتواند مشکلات خودش را حل کند. اگر شما دارای یک وجه اجتماعی خوب باشید خیلی راحت می‌توانید مشکلات خودتان را حل کنید، چون شما مورد اعتماد جامعه قرار می‌گیرد. اما اگر با افراد بد دوست شوید و خوی آن‌ها را به خود بگیرید در واقع دارید با تیشه به ریشه خودتان می‌زنید و شخصیت اجتماعی خودتان را با دوستی با افراد ناصالح از بین می‌برید. نکته آخر؛ جوانان باید توجه داشته باشند که اگر دوست نامناسب و رفیق ناباب، دچار کسی شود، علاوه

بر این که عمر گران‌بهای او را از بین می‌برد و موجب ائتلاف اوقات ارزشمند دوران جوانی می‌شود، دین او را به‌مرور زمان می‌گیرد و آبروی او را نیز خواهد ریخت.

پی نوشت:

[۱] قرآن کریم، سوره الفرقان، ۲۷ و ۲۸.

[۲] دیوان حکیم سنایی غزنوی.

[۳] مرحوم کلینی، اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۴۵۴.

[۴] صادق احسانبخش، آثار الصادقین.

[۵] محمد محمدی اشتهداری، گفتار دانشین چهارده معصوم (علیهم السلام).

خوشبختی و سعادت

اگر فردی بتواند از داشته‌های که در دوران جوانی در اختیار او قرار داده شده به بهترین شکل استفاده کند، در دوران پیری با خیال آسوده یک زندگی همراه با رضایت و خوشبختی را طی می‌کند. این خوشبختی و سعادت یک دشمنی دارد که دلش نمی‌خواهد شما از داشته‌های خودتان استفاده درست کنید و دل او می‌خواهد تا آن داشته‌ها در نطفه خفه شوند و شما هم غافل هستید و تن به خواسته‌های او می‌دهید، آن دشمن که در کمین جوانان نشسته و آن‌ها را به دام می‌اندازد، دوست بد و ناباب است که با ظاهری آراسته زندگی ما را نابود می‌سازد. مثال این نوع رفیق مثال دشمنی است که در ظرفی زیبا و گران قیمت باشد و شما محو زیبایی طرف آن می‌شوید و غافل از اینکه چه چیز خطرناکی در داخل آن است و سبب کشته شدن شما می‌شود.

امام جواد (علیه‌السلام) فرموده‌اند: مبادا با رفقای بد دوستی کنید که او مانند شمشیر، ظاهری زیبا و آراسته دارد ولی اثرش زشت و درد آور است.[۵] ۴. سبب نابودی شخصیت اجتماعی جوان می‌شود

همراه‌اند، این رابطه‌های یک‌طرفه امن‌تر، قابل‌پیش‌بینی‌تر و گاهی حتی واقعی‌تر به‌نظر می‌رسند. احساساتی که نوچوان در این رابطه‌ها تجربه می‌کند، اگرچه پاسخ واقعی نمی‌گیرند، اما کاملاً واقعی‌اند؛ از اشتیاق و شوق گرفته تا غم، سادات و رنج.

مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۳ نشان داد که ۵۸٪ از طرفداران انیمه در نسل Z اظهار کرده‌اند که در مقطعی از زندگی‌شان به یکی از شخصیت‌های انیمه علاقه‌مند شده‌اند. این رقم نشان می‌دهد که تحیل عاشقانه برای نوچوانان نسل Z، نه یک پدیده فرعی یا استثنا، بلکه بخشی از جریان اصلی تجربه عاطفی آنان شده است.

■ **او هرگز شما را ترک نمی‌کند**

وابستگی به شخصیت‌های خیالی فقط از سر علاقه نیست؛ نوعی مکانیسم دفاعی هم هست. در جهانی که سرشار از بحران‌هاست (از تنش‌های اقتصادی گرفته تا ناپایداری اجتماعی) رابطه با یک شخصیت خیالی نوعی تسلط بر دنیای ناپایدار بیرون است. کودک یا نوچوان می‌داند که این شخصیت هیچ‌وقت عوض نمی‌شود، هیچ‌وقت

سپهرغرب، گروه جوانی؛ درست مثل یک عشق واقعی، با همه افت‌وخیزهایش؛ دل‌تنگی، هیجان، احساس خیانت، حتی غم جدایی. اما طرف مقابل این عشق یک شخصیت خیالی‌ست. کاراکتری از یک انیمه ژاپنی، یک خواننده کراهی که هرگز ملاقاتش ممکن نیست، یا آواتاری در دنیای مجازی یک بازی!

این شکل از وابستگی، این روزها به بخشی از تجربه عاطفی کودکان و نوچوانان نسل Z و آلفا تبدیل شده؛ تجربه‌ای که شاید در ظاهر بی‌ضرر و بامزه باشد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، حرف‌های جدی‌تری برای گفتن دارد.

■ **عشق در دنیای بدون تماس**

برای نوچوانی که هر روزش با اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آغاز و پایان می‌یابد، عجیب نیست که تجربه عاطفی‌اش هم از همین فضا شکل بگیرد. انیمه‌ها، سریال‌ها، بازی‌ها و سلبریتی‌ها، دنیایی از شخصیت‌های ایده‌آل می‌سازند؛ خوش چهره، همدل، مهربان، فهیم و همیشه در دسترس. در مقایسه با روابط انسانی واقعی که اغلب با رنج، تعارض یا سردرگمی



به‌ظاهر طنزآمیز، تنهایی‌ای نهفته که چندان خنده‌دار نیست. نبود گفت‌وگوی عاطفی در خانه، آموزش ندیدن درباره احساسات، یا نداشتن یک رابطه سالم در خانواده، نوچوان را به سمت دنیایی سوق می‌دهد که هرچند خیالی‌ست، اما امن‌تر از دنیای واقعی به نظر می‌رسد.

در این جهان خیالی، نه قضاوتی هست، نه تنشی، نه ترسی از طرد شدن. اما مانند در چنین جهانی هزینه دارد: از دست رفتن مهارت‌های ارتباطی، تعمیق انزوای عاطفی و در مواردی، شکل‌گیری انتظاراتی غیرواقع‌بینانه از عشق و ارتباط با دیگران.

صنعت سرگرمی نیز دقیقاً همین نقطه ضعف را هدف گرفته و شخصیت‌هایی می‌سازد که مطابق رویاهای نوچوانان طراحی شده‌اند؛ بی‌نقص، مهربان، وفادار و همیشه در دسترس. آنچه به‌ظاهر یک دل‌دادگی ساده است، می‌تواند نشانه‌ای از یک خلأ عمیق و ریشه‌دار باشد. خلایی که اگر نادیده گرفته‌شود، مسیر بلوغ عاطفی نوچوان را دچار انحراف می‌کند و او را از تجربه زیسته و واقعی عشق در سنین باگرم‌تر هم بازمی‌دارد.

■ **نگین روزبهانی**